

رندانه‌ی چیدن واژه‌ها

سخن سردبیر

سکوت معنا نداشت اگر واژه‌ها نبود! پیشرفت؛ آموختن؛ زیستن؛ بازی کردن؛ عشق ورزیدن؛ کار کردن؛ اعتقاد و هزاران کلمه‌ی دیگر؛ معنا نداشتند اگر واژه‌ها نبود. اصلاً چطور می‌توانستم به شما بگویم کلمات تا چه حد مهم‌اند بی آنکه از خودشان وام بگیریم؟ بی الفاظ فرقی نیست بین انسان با وحوش و طیور. آری؛ نطق وجه تمایز ماست با پرنده‌ی در قفس اتاق کناری‌ام. ظلم، عدالت و دغدغه هم نبود بی واژگان در مشت‌هامان. مهم نیست در

زندگی چه می‌خواهی. کلمات ابزاری است در دستان تو برای رسیدن به هرآنچه که باید و می‌خواهی داشته باشی. و عجب هنرمندی است آن‌کس که بتواند این واژه‌های سرگردان را به درستی کنار هم ردیف کند. هنر چیدن واژه‌ها. یک کانال پرمخاطب، کتاب، صفحه‌ی شخصی‌تان، وبلاگ و حتی یک نشریه؛ جایی است که می‌توانی در آن قلم برانی و واژگانت را آن‌طور که می‌خواهی بچینی. اگر زمین بازی خودت را در یک نشریه‌ی دانشجویی می‌بینی؛ تسنیم از تو استقبال خواهد کرد. راه ارتباطی با ما را بعد از مطالعه‌ی این شماره، در پاورقی صفحه‌ی بعد می‌توانی پیدا کنی.

از دل برآمده

مگر نه آنکه خودشان در توصیف امام فرمودند:

الإمامُ الأَئیسُّ الرَّفیقُ، وَالوالدُ الشَّفیقُ،
 وَالأَخُ الشَّفیقُ، وَالأمُّ البَیَّرةُ بِالوَلَدِ
 الصَّغیرِ

امام، رفیق همدمی است؛ و پدری مهربان؛ برادری هم‌سان و مادری نیکوکار به فرزند کوچکش!

به بهانه میلاد سلطان ایران

شاعر: محمدسهرابی



بردوش خود بریزد زلف سیاه را
 بالا مبر ز خسته دلان سوز و آه را

در "بست طوسی" تو چه رنگی دویده است
 کز لطف می‌خرند سپید و سیاه را

موسی عصا به کف به حریم تو پای زد
 تا دید می‌خرند دل "من عصاه" را

زاهد تو را پسندد و رو بر خدا کند
 یارب مکن نصیب کسی این گناه را

در حرمتت که امر خدا نیز قائم است
 دیدیم ایستاده سر پا إله را

کفرم مبارک است به تیریک من بیا
 چرخانده ام به سوی رضا قبله گاه را

ایوان تو به کعبه تفاخر نمی‌کند
 بر بنده، فخر، عیب بود پادشاه را

بین تو و خدا به خدا مایل تو ام...!
 شکر خدا که برد ز من اشتباه را

وقت ورود کفش سپارند خلق و ما
 دادیم بوسه کفش کن کوی شاه را

مالی نداشتیم ولی از جستجوی تو
 انداختم میان ضریحت نگاه را

من در رواق آینه عکسم به طاق بود
 دادند برگدا به حریم تو جاه را

کفر مرا درآر و نشان جهان بده
 رو کن که سجده کرده ام آن بارگاه را

برایم بسیار جای سوال دارد که فیلم قبل از شروع جنبش (زن، زندگی، آزادی) در کن جایزه می‌گیرد فیلمی که روایت تغییرعلیرضا، به خاطر زنی به نام لیلاست؛ از مردی بزدل به حق خواهی که با شیشه شکستن اعتراض میکند.

در لحظات اول فیلم، شورش کارگران و هجوم نیروهای یگان ویژه را با برگه‌های استیک نوت شبرنگی، که چسب قوی ای ندارند، به فیلم وصل کرده اند؛ آنقدر که لزوم بودنش، برای پیشروی داستان سوال است.

سکانس پیوستن علیرضا به جشن و شادی نسل جدید دختران، پس از مرگ پدر...

اعداد آشنا و تاکید بی دلیلشان روی آنها...

آیا همه ی این‌ها و ارتباطشان با التهابات دستاز کنونی اتفاقیست؟

چنین فیلمی که مقاصدش را هوارمیکشد، نمیتواند نمادگرا باشد. نماد، زیر لایه ای به بیننده منتقل میشود. نه با دیالوگ‌های گل درشت و صحنه‌های عیان!! اما فضای بسیار مناسب، برای پیدا کردن روابط و کنایه فراهم شده است.

روستایی، مهره را در دست می‌چرخاند و تاب میدهد؛ ولی بازی نمی‌کند. در واقع از هر پلان، برای حمله ی تیتراهای خبری استفاده کرده.

فیلم، تماماً یک کنش است و شاهد واکنشی در فیلم نیستیم. میدانیم همه در نهایت بدبخت میشوند و هیچ پلانی پایان خوش ندارد. جدایی از گرانی و وضعیت اقتصادی و اعتراض‌ها،

فیلم برادران لیلا درگیر (منم همینطور ها) بی است که با قیاس ناشیانه، توسط عوام ردیف میشوند. خوش سلیفگی فیلم ساز در انتخاب موضوع، برای همه گیر بودنش، ستودنیست.

از لحاظ روانی، فرد را در جایگاه قیاس قرار میدهد و چه چیز به اندازه ی الهام بخش بودن به تاثیر گذاری فیلم کمک میکند؟ برادران لیلا، یک پوسته ی اعتراض است، همراه با توهین! سیاه نمایی که نه، نمایشی جز سیاهی از یک شخصیت نیست. لحظه ای فرصت دفاع به نقش پدر، که محور داستان است، نمیدهد.

در صحنه ی انتهایی فیلم مخاطب نه تنها شوکه نمیشود؛ لیکن حق را به خاطی میدهد؛ چرا که تابویی شکسته نشده و از ابتدا پدر، قداستی نداشته.

این خاصیت تمام فیلم‌های جایزه بگیر است! هر جا بخواهند معیار سنجش را کوانتومی میکنند و سیاه مطلق را به ارزش‌های ایران نسبت میدهند؛

و هر جا هدفشان عادی سازی باشد، از طیف استفاده میکنند و هر سیاهی و پلشت کاری رو به سفیدی میل میدهند.

صحبت‌ها و روابط علت و معلولی و مکالمات، همگی مصنوعی و از حالت ارگانیک خودشان خارج شده اند. دیالوگ‌ها فقط شعارهایی هستند که به شخصیت‌ها با خصوصیات نمایش داده شده نمی‌آیند.

آدم‌هایی از مکانی که برای اثبات خرابه بودنش، حداقل چهل دقیقه به زمان فیلم اضافه کردند، به یکباره فیلسوف میشوند. همان شخصیت‌هایی که طبق فیلمنامه سواد آکادمیک زیادی ندارند.

از حیث فیلم سازی دیالوگ‌های تاریخ سینمایی طور به شرط تطبیق نقش با جمله مفید است؛ اما نه اینکه تناقض عجیب در داستان ایجاد کند!

دیالوگ‌ها کاملاً کلاژگونه اند و بی توجه به موقعیت فیلم و شخصیت از لای کتاب‌های افسانه برداشته شده اند. وقتی دیالوگ‌ها به کاراکترها می‌چسبند کاریکاتور خلق میکنند؛ نه شخصیت!

این ناهماهنگی و بی ربط بودن، آنقدر زیاد است گویی دیالوگ از آسمان نازل شده و کپسولی از نظرات را به خورد کاراکتر میدهد.

تمام بگو مگو‌ها و دعواها و دیالوگ‌های پینگ پنگی برادران لیلا، فقط برای تاثیر روی مخاطب است نه پیش بردن درام! چرا که پیش بردن قصه ی اجتماعی راجع به خانواده، بهانه است و هدف، تیکه پرانی و فحاشی است. مگر میشود (نرو سمیه) خاطرتان نباشد؟

غلظت احساسات دیالوگ و سکانس بالا بود و از فیلم خودجوش و مستقلاً جداشد. اتفاق خوبی برای دیده شدن فیلم است. اما نه اینکه به هر قیمتی سعی شود چندتا سکانس با مونولگ طولانی به برادران لیلا چسباند!

فیلم مصداق یک سخنران بسیار حراف و پرگو و دهان پریش است؛ که هر قسمت عمادانه برای ضربه زدن انتخاب شده است.

در باب برادران لیلی

حنا جلالی

فیلم برادران لیلا، یا بهتر بگویم بازی جدید آقای روستایی! کارگردان خودش را به درو دیوار زده تا فیلمش دیده شود و این افتخار بزرگیست برای آقای روستایی که با چنین فیلم کم کیفیت و ضعیفی، جنجال به پا کند.

هرچند، فیلمی که به بوسه و تهمت تجاوز تبلیغ شود، بعید نیست با سکانس‌های حرمت شکنی مشهور شود. به جرعت میتوانم بگویم اگر نمایش‌های توقیف و پخش غیر قانونی فیلم پیش نمی‌آمد، با آن همه تلاش کارگردان، باز برادران لیلا آنقدر که الان بر سر زبان‌ها افتاده، سرو صدا ایجاد نمیکرد.

فیلم چند خطای راکوردی و عدم رعایت خط فرضی بسیار محسوس دارد که از کارگردانی مثل روستایی بعید است و افول فیلم سازی او را زیادی به رخ میکشد.

همچنین فیلم، ابتدا با میزانشن‌های شلوغ و مفصل، یقه ی مخاطب را میگیرد اما از جایی به بعد سرعت اتفاقات را تند میکند.

از دید کارگردان اصلاً مهم نیست سکانس‌ها نقش مهمی در داستان داشته باشند یا خیر! فقط مهم میزان متنسج کردن شبکه‌های اجتماعی است.

کارگردان به حالت طبیعی افراد داستان توجه نمیکند و فقط هر صحنه برای مخاطب قاب می‌چیند.

قاب دوربین اصلاً دنبال قصه گویی نیست. این قاب بیشتر شبیه به پوسترهای اینترنشنال عمل میکند. انگار به هیچ وجه قصد فیلم ساختن را نداشته اند. اگر چند بازیگر و جلوه نداشت، کاملاً تبدیل به یک بیانیه ی سیاسی میشد که روستایی یک بلندگوی خراب را به دستش گرفته و خطبه ای را با عصیانیت فریاد میزند.



تسنیم

شماره ۲۱۴ - ۷ خرداد ۱۴۰۲

ارتجاع با رنگ صفر و یک امیرحسین طاووسی

شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲، ساعت ۱۳:۳۰ آملی تئاتر دانشکده کشاورزی میهمانان برنامه پرحاشیه به نظر میرسند. نام او («مؤمن نسب») است؛ کارشناس فضای مجازی، به نظر مسئول صیانت از فیلترینگ دارای شهرت؛ البته نه چندان مثبت، شهرتی به واسطه بیان سخنانی نادر نام او («کشوری») است؛ دارای مدرک کارشناسی ارتباطات، فعال توییتی‌ری و منتقد وضعیت کنونی فیلترینگ تاکنون سخن غریبی از او به گوش نرسیده که باعث شهرتش بشود. نقاد بوده است و ایده‌پرداز؛ نقدهایی جدی و محکم که در ادامه شاید فقط هوچیگری طرف مقابل بتواند آن را کمرنگ کند.

پس از قرائت قرآن مناظره شروع میشود؛ هر دو نفر به بیان نظرات می‌پردازند سخنان جالبی ردوبدل می‌شود؛ هر دو با محدودیت اینترنت موافق‌اند؛ بحث اصلی درباره‌ی اندازه و کیفیت آن است «کشوری» بیان میکند که فیلترینگ باید ضابطه داشته باشد، به اندازه باشد و همراهی غالب کاربران را به دنبال داشته باشد

در آن طرف «مؤمن نسب») یکی از دلیل اصلی قانون‌گذاری را ایجاد محدودیت می‌داند؛

این نگاه به قانون همین صحبت کافی است که در ذهن مخاطب این پرسش ایجاد شود که اساسا از کجا در ذهن قانون‌گذاران ما شکل گرفته است؟ آیا قانون باید فقط

حجاب، سیاسی است! مهدی اسکندری

بحبوحه و بلوای سال ۱۴۰۱ که به بهانه قانون حجاب به راه افتاد اذهان و توجهات را معطوف به مقوله‌ای کرد که شاید در ظاهر یک امر فرعی فقهی باشد، اما در نهایت حامل کارکردهای عظیمی در سطح سیاست و اجتماع است. حجاب در تحلیل بسیاری از افراد تنها یک موضوع فقهی است که به شکل حاشیه‌ای در کتاب‌النکاح یا بخش عبادات فقه احکامی را به خود اختصاص داده است و نگاهی غیر از این پارادایم به آن غیر شرعی و اساساً مغایر با سنت اسلامی است. اما وقتی در پاییز سال گذشته بلواگران در کف خیابان‌ها شعار می‌دادند «حجاب فقط بهانه است اصل نظام نشانه است» به خوبی به طریقت این فرع فقهی در راستای حذف یک امر مهم اشاره داشتند، که آن امر اسلام و حکومت اسلامی در کشور است. خیال خامی است که گمان بریم دشمنی‌های داخلی و خارجی با مقوله حجاب که امروزه پهستیم تنها محدود به این حکم شرعی است چرا که امروز حجاب بیش از آنکه جنبه صرفا فقهی داشته باشد، به عنوان یک عامل جدی در ساحت سیاست و اجتماع خودنمایی می‌کند.

حجاب، عمل عبادی فردی یا حکم سیاسی در اجتماع؟

حجاب، گرچه از همان ابتدا به عنوان یک عمل عبادی و در ذیل دستورات شرعی اسلام قرار گرفت، اما از همان زمان یک وضعیت نمادین در عرصه جامعه اسلامی داشت. حداقلی‌ترین وجه سیاسی ـ اجتماعی حجاب فرق‌گذاری بین زن مسلمان و زن غیر مسلمان است، تفهیم این قضیه در عرصه جامعه کاملا عملی سیاسی است. بنابراین حجاب از ابتدا به عنوان یکی از لوازم جهت شکل‌گیری جامعه اسلامی تشریح شده است. حجاب در

جنبه سلبی داشته باشد؟ در این میان ایجاب چه میشود؟ آیا ما تنها نیاز به بستن و مسدودکردن داریم؟ پس فرهنگسازی، تعامل و قانونمندکردن کجای این بینش است؟ اینها سؤالاتی است که تا انتها پاسخی برایشان پیدا نمی‌کنید عبور کنیم، بحث در جریان است

«مؤمن نسب») بیان می‌دارد که مخالف فیلترکردن پلتفرم و موافق فیلتر محتواس‏ت «کشوری») پاسخ میدهد دربره‌هایی نه تنها پلتفرم‌های بین‌المللی بلکه فضای وب فارسی نیز شاهد فیلترینگ بود؛ او از پلتفرمهای کلوب و بیان نام میبرد، مواردی که شاید برخی از خوانندگان نیز به یاد داشته باشند.

این سخن چنین نتیجه می‌دهد که اگر بنا بر فیلتر محتوای مجرمانه است پس چگونه پلتفرم‌های وب فارسی که قابلیت دسترسی و سانسور محتوای خاص مدنظر را داشته‌اند به کل مسدود شده اند؟

سؤالی که پاسخی به آن داده نمیشود؛ البته در ذهن مخاطب دو حالت برای پاسخ به این سؤال شکل میگیرد؛ یا نقص قانون‌گذاری داریم یا اینکه قوانین مصوب به‌صورت سلیقه‌ای اعمال می‌شوند.

سخن به قانون‌گذاری درباره پلتفرم‌های خارجی کشیده می‌شود. صحبت طرفین به‌صورت اختصاصی بر روی تأسیس دفتر این پلتفرم‌ها در خاک ایران متمرکز شده است.

«کشوری» معتقد است یک سازوکار قضایی که به پلتفرم‌ها برای فعالیت اطمینان خاطر دهد باید وجود داشته باشد. او ترکیه را مثال میزند که یوتیوب را فیلتر کرد و گوگل با شکایت از دولت ترکیه به دادگاه عالی این کشور توانست حکم رفع فیلتر یوتیوب را بگیرد.

خلوت معنا ندارد، بلکه در جلوت است که نمایان شده و اساساً موجب شأئیت‌سازی زن مسلمان می‌شود.

تأثیرپذیری از ظاهرگرایان انجمن حجتیه

این تفسیر که حجاب را مصونیت و حفاظت از زیبایی زن بیان کنیم تفسیری و تقریری غلط و سست است و تقلیل هدف غایی تشریح حجاب خواهد بود. طی بررسی‌های به عمل آمده این تقریر از حجاب اولین بار در یک برنامه رادیویی در مشهد طی ۵ جلسه توسط شیخ محمود حلبی، بنیانگذار انجمن حجتیه بیان شد. متأسفانه درحال حاضر گفتارهای رایج از حجاب و دفاع از آن که بیشترتوجه در ریشه‌های الهیاتی و فقهی حجاب دارند که در آن تقریر شیخ محمود حلبی متولد شد. درحال حاضر قشر انقلابی و حزب‌اللهی هم بیشتر همان تقریر ظاهرگرایان انجمنی از حجاب را اختیار کردند، درصورتیکه بیان کردیم هدف تشریح حجاب، یک فرم و قالب برای جامعه‌سازی دینی است و شارع مراد و مقصودی مشخصاً سیاسی از حجاب داشته است. به خاطر همین قدرت ضمنی حجاب است که آن را تبدیل به یک محل نزاع در امور فرهنگی و اجتماعی می‌کند. برای تفهیم بهتر سری به تاریخ معاصر می‌زنیم تا ریشه «حجاب فقط بهانه است اصل نظام نشانه است» را بیابیم.

دعوا با اسلام به بهانه حجاب

وقتی روشنفکرانی نظیر ایرج میرزا شعرگویی‌هایی در مذمت حجاب دارند، باید دقت داشت که این امر فقهی به قدری قدرت حاملیت ارزش‌های اسلامی را دارد که پیش از هرچیز مورد هجوم نیروهای آوانگارد سکولاریسم در ایران قرار گرفته است. در دوره قاجار نه جمهوری اسلامی وجود داشت و نه شریعتی به دنیا آمده بود که تفسیر غلیظ سیاسی از حجاب را در حسینیه ارشاد بیان کند. این ذات حجاب است که وقتی نزاع فکری و معرفتی علیه «اسلام» شکل می‌گیرد مورد هجوم واقع شود چرا که آن نماد جامعه دینی و نماد مسلمانی است. مثلا در پهلوی اول ما شاهدیم یکی از قدم‌های حکومت برای رسیدن

«این‌جوری نیست که ما هیچ اشکالی نداریم، فقط دشمن خارجی است که دارد [مشکل ایجاد میکند]؛ نه، مگس روی زخم می‌نشیند؛ زخم را خوب کنید، زخم را نگذارید به وجود بیاید. ما اگر مشکل داخلی نداشته باشیم، نه این شبکه‌ها می‌توانند اثر بگذارند، نه آمریکا می‌تواند هیچ غلطی بکند.»
۱۳۹۶/۱۰/۱۹

«مؤمن نسب») بیان میدارد که این پلتفرمها هیچگاه در ایران دفتر تأسیس نخواهند کرد

بیراه نمی‌گوید. در اینجا حق با هر دو طرف است.

از طرفی قانون و مهمتر از آن حاکمیت قانون در زمیئه فیلترینگ وجود ندارد، از طرف دیگر به نظر میرسد حتی اگر تمام مشکلات قانونی و قضایی نیز برطرف شوند باز هم این

پلتفرم‌ها فعالیت رسمی خود را در ایران آغاز نمی‌کنند که برای این مورد دلیلی جز ذهنیت منفی و خصومت با ایران نمیتوان پیدا کرد.

بحث داغ شده است

موضوع غیرفعال‌شدن تماس تصویری رایتل مطرح می‌شود. در سال ۱۳۹۰ رایتل شروع به فعالیت کرد. تکیه اصلی این اپراتور تازه‌وارد برای فروش و بازاریابی بر دو مورد اینترنت نسل سوم و تماس تصویری بر بستر شبکه تلفن همراه استوار بود. به ناگاه در همان اوایل فعالیت این اپراتور خبر آمد که مراجع تقلید با تماس تصویری این اپراتور مخالفت کرده‌اند.

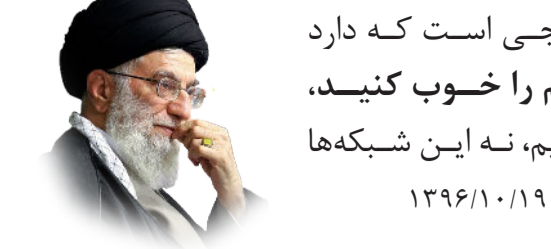
مخالفتی که هیچگاه مورد پذیرش جامعه واقع نشد و ابهامی که هیچ وقت برطرف نشد با فاصله کمی پس از غیرفعال‌شدن تماس تصویری رایتل، اپلیکیشن‌های پیامرسانی در گوشی‌های هوشمند نصب شد که قابلیت تماس تصویری داشتند و این به یک معنا بود؛ باخت محض هم سرمایه‌گذاری این اپراتور سوخت شد و هم اگر قرار بود نظارتی بر تماسها وجود داشته باشد، اکنون غیرممکن شده بود.

علاوه بر این دو مورد به خاطر نبودن بستری داخلی و مشابه برای تماس تصویری، امکان مسدودکردن پیامرسان‌های خارجی نیز وجود نداشت. در این گونه

به جامعه مدرن و متجدد، گستراندن سکولاریسم و دین‌زدایی است و این امر را با ممنوعیت حجاب آغاز کرد، چون حجاب هویتی را بیان دارد از جامعه که با هویت اجتماع مدرن و سکولار مد نظر رضاخان در تعارض است و او باید این فرم و قالب را از میان ببرد. ممنوعیت هیئات عزاداری هم از این نوع است. در چنین تفسیری کار رضاخان کاملاً درست بوده، چون او یا روشنفکران دربار به خوبی جنبه هویت‌بخش حجاب در عرصه اجتماع را درک کرده بودند. یک بافت اجتماعی متأثر از نمادها، سمبل‌ها، نوع پوشش افراد و دغدغه‌های آیینی و… است و بالطبع بافت اجتماعی اسلامی زمانی ظهور پیدا می‌کند که مظاهر و نشانه‌های عینی آن در جامعه وجود داشته باشد، این موضوع اگرچه شرط کافی نیست اما بی‌شک شرط لازم برای نیل به یک موقعیت دینی در ساحت اجتماع است. پیداست که تنش روشنفکران و اسلام خواهان از ابتدا تنشی صرفاً فرهنگی نبوده است که در همین سطح بماند. مبارزه روشنفکران با حجاب از ابتدا مبارزه‌ای سیاسی بود؛ چنان که بعدها این دشمنی در یک تصمیم به وضوح سیاسی و در فرم یک قانون اعلام شد؛ قانون کشف حجاب.

حجاب فرم دهنده و هویت‌بخش جامعه اسلامی

موقعیت حجاب به عنوان حامل معانی و ارزش‌ها، می‌تواند یک فرم و صورت از سطح اجتماعی را به افراد منتقل کند. امام خمینی در یکی از بیانات خود بعد از آنی که از مبارزه با فساد نهی از منکر و مبارزه با فحشا می‌گوید، چنین اعلام می‌کند: «فحشا را قطع می‌کنیم، مطبوعات را اصلاح می‌کنیم، رادیو را اصلاح می‌کنیم، تلویزیون را اصلاح می‌کنیم، سینماها را اصلاح می‌کنیم. تمام اینها فرم اسلام باید باشد.» این فرم و قالب اسلامی چیزی است که اگر باشد می‌توان از وجود اسلام دم زد و اگر نباشد می‌توان گفت اسلام نیست! برای همین است که ذبیح الله محلاتی در سال ۱۳۱۱ با تشخیص و تحلیل درست درباره ماجرای کشف حجاب چنین نوشت: «در



موارد است که تصمیم‌گیری‌های یک‌شبه و ناگهانی آسیب خود را نشان میدهد. این تصمیم‌گیری‌های فراقانونی در موارد متعدد مربوط به فیلترینگ مشاهده میشود. وقتی دم از عدم وجود چارچوب قانونی مشخص و حاکمیت قانون می‌زنیم دقیقا منظور همین موارد است. موارد این چنینی که نشان‌دهنده ضعف و خطا در تصمیمگیری بوده، بسیار است.

برنامه به بخش پرسش وپاسخ رسیده است. کار بالا میگیرد و رفت وآمد صدا زیاد شده است. در این میان اتفاقی رخ میدهد که نقطه عطف ماجراست

«مؤمن نسب») بیان می‌دارد: «شما دانشجویان هنگام استفاده از فیلترشکن مشغول بی‌قانونی هستید» ناگهان فردی از میان جمع فریاد می‌زند: «پیج رهبری خودش دیروز پست گذاشت» سکوت(!)

واقعا چه پاسخی میتوان در قبال این موضوع داشت؟ دو حالت بیشتر ندارد؛ یا باید گفت افراد منسوب به رهبری و اداره کننده صفحات از اینترنت بدون فیلتر استفاده می‌کنند، که این مصداق بارز بی‌عدالتی است. یا در حالت دیگر، این افراد از فیلترشکن استفاده میکنند که عذربردتراز گناه و مصداق بی‌قانونی طبق نظر «مؤمن نسب») است. اینجاست که بی‌عدالتی و عدم حاکمیت قانون مجددا رخ عیان می‌کند.

مناظره انجام شده تماما این سخن را به ما می‌رساند: «در کشور ما برای تصمیمگیری و اجرا نه نیاز به مرتجع است و نه نیاز به متجدد تنها چیزی که در اینجا نیاز است متفکر است، متفکر» والسلام.

این قرن مرگ تازه‌ای برای اسلام و مسلمین روی داده، در گوشه و کنار زمزمه کشف حجاب به گوش می‌رسد.» او زمزمه کشف حجاب را مرگ اسلام معادل می‌گیرد چرا که اساساً جدی‌ترین نماد و سمبل برای ایجاد فرم و قالب جامعه اسلامی مورد نفی قدرت حاکمه قرار گرفته است.

و نظامی که به شدت مظلوم

در چنین نظرگاهی طبیعی است که حاکمیت اسلامی که داعیه‌دار حفظ ارزش‌های دینی است نسبت به حجاب نه صرفاً به عنوان یک امر فقهی بلکه برای ساخت جامعه اسلامی اهتمام ورزد و به نوعی کنترل اجتماعی را در قبال او در نظر گیرد. قانون حجاب را باید از این جنس دانست که قرار است وضعیت اجتماعی و صحنه شهری را کنترل کند. امروزه جریانی در بین مجبیه‌ها، حتی مجبیه‌های حزب‌اللهی مطرح شده مبنی بر مخالفت با قانونی شدن حجاب. این گفتمان و طرح موضوع صرف سیاسی‌زدایی از حجاب نیست بلکه ماهیت و اساس حجاب را زیر سؤال می‌برد، به عبارتی ما یک بخش از حجاب را حذف نکردیم، بلکه اساس حجاب را دگرگون ساختیم چرا که در ابتدای این نوشتار مختصر تبیین کردیم مراد شارع از حجاب اساساً جنبه سیاسی و اجتماعی دارد. چه بپذیریم و چه نپذیریم حجاب دارای یک بار سیاسی است و این امر در نزاع‌های کلان سیاسی به خوبی خود را نشان داده است. این قشر(مجبیه‌های مخالف قانون حجاب) نمی‌توانند آن بار سیاسی را تحمل کنند، لذا سعی بر این دارند با سیاست‌زدایی از حجاب این ایده را برای خود موجه سازند و این دستور فقهی را تنها به یک موضوع حداقلی شخصی تقلیل دهند. آنان تصور می‌کنند جمهوری اسلامی حجاب را سیاسی کرده، در صورتیکه حجاب سیтاسی حداقل دو برابر جمهوری اسلامی در ایران عمر دارد و کافی است برای درک و قبول این ادعا به زد و خورد منورالفکران و اسلام‌گرایان بر سر موضوع حجاب تمرکز و تفحص کنیم.

از شما دعوت می‌شود

نشریه تسنیم به عنوان یکی از با سابقه‌ترین نشریات دانشگاهی کشور همیشه سعی داشته تا صدای دانشجو باشد و کارنامه‌ای درخشان را ساخته و پرداخته است. دانشجویانی که در این سال‌ها در تیم نشریه بوده‌اند همیشه بدور از محافظه‌کاری و منفعت طلبی عمل کردند. یک نشریه‌ی دانشگاهی از دل دانشجو شکل می‌گیرد و با دانشجوها پیش می‌رود و حالا ما در دوران دانشجوییمانی می‌توانیم دست به دست هم دهیم و با کمک یک دیگر، قوی‌تر از قبل مسیرهای روشنگری و گفتگو را پیش ببریم. از این رو نشریه تسنیم از شما دعوت می‌کند تا در بخش‌های زیر به ما کمک کنید:

تیم تحریریه **طراحی** **ویراستاری** **مدیریت رسانه**

برای ارتباط با ما به آی‌دی زیر در تلگرام پیام دهید

@tasnimshahed_ad